Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

2023, Vol: 11, No: 1, Pages: 65-78.

Analyzing the Concept of "Disease Contagion" in Infectious Diseases from the Perspective of Hadith and Medical Jurisprudence

Seyed Hossein Hosseini Karnami[1*], Abbas Alipour[2], Roya Malekzadeh[3]

1- Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
2- Associate Professor, Department of Community Medicine, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
3- Assistant Professor, Department of Public Health, Faculty of Health, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

***Corresponding Author:**
Seyed Hossein Hosseini Karnami
Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Email:
hosin.hosini@gmail.com

Received: 02 Feb 2023
Revised: 08 Jul 2023
Accepted: 24 Jul 2023

Abstract

Background and Purpose: With the epidemic of coronavirus, based on the content of some hadiths, including the famous hadith "La'Adwi", and combining and comparing it with some teachings of traditional medicine, some appearanceists declared that all diseases are non-contagion. This attitude was in opposition to modern medicine and in denial of the spread of infectious diseases, which resulted in non-observance of health issues and consequently led to the spread of the disease, increase in the costs of the health sector, and the negative view of researchers towards Islamic teachings.

Materials and Methods: The current research was carried out using reliable library sources, related articles, and the content analysis method. This inferential study aimed to investigate “disease transmission from the viewpoint of medical jurisprudence and hadith" and then adapt the findings to new medical results.

Results: Findings of the present research revealed that the superficial attitude towards the hadiths and its teachings is harmful, and the attitude towards the hadiths in this matter, including the hadith of La'Adawi, is controversial from the point of view of many scholars. Moreover, some of its narrators are unreliable and the fact that the source of this hadith is the Prophet of Islam is questionable. In terms of implication, in addition to its conflict with the facts of human experience in the medical field, there are many analyzes for it. Assuming the acceptance of the negation of the spread of the disease in this hadith, it should be said that only the transmission of a specific infectious disease such as "Scabies" in animals that was the subject of question in the hadith was denied.

Conclusion: By taking into account the problems of authenticity, reliability, and the implication of the hadith concerning the non-transmission of the disease, as well as definivity of some hadiths regarding the possibility, existence, and spread of the disease, taking health care measures, quarantine, avoiding the disease, and observing social distancing during the disease outbreak is a rational, legitimate, and bligatory decision to make.

Keywords: Contagion, Contagious disease, Corona, Hadithology, Medical jurisprudence

▶ **Citation:** Hosseini Karnami S H, Alipour A, Malekzadeh R. Analyzing the Concept of "Disease Contagion" in Infectious Diseases from the Perspective of Hadith and Medical Jurisprudence. Religion and Health, Spring & Summer 2023; 11(1): 65-78 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

دین و سلامت
مقاله پژوهشی اصیل
دوره ۱۱، شماره ۱، سال ۱۴۰۲ صفحه: ۷۸-۶۵.

واکاوی مفهوم «سرایت بیماری» در امراض واگیردار از منظر حدیث و فقه پزشکی

سید حسین حسینی کارنامی[1*]، عباس علیپور[2]، رویا ملک‌زاده[3]

۱- دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۲- دانشیار، دکترای اپیدمیولوژی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳- استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده‌ی بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

* **مؤلف مسئول:**
سید حسین حسینی کارنامی
گروه معارف اسلامی، دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

Email:
hosin.hosini@gmail.com

دریافت: ۱۶ بهمن ۱۴۰۱
اصلاحات: ۱۷ تیر ۱۴۰۲
پذیرش: ۰۲ مرداد ۱۴۰۲

چکیده

با اپیدمی کروناویروس، بعضی از ظاهر گرایان با تمسک به برخی از احادیث، ازجمله حدیث «لاعدوی» و تلفیق آن با بعضی از آموزه های طب سنتی، سرایت نکردن همه‌ی بیماری‌ها را نتیجه گرفتند. این نوع نگرش موجب تقابل با طب مدرن، انکار سرایت بیماری واگیردار، رعایت نکردن مسائل بهداشتی و در نتیجه، شیوع بیماری، افزایش هزینه های سلامت و نگاه منفی به آموزه های اسلامی شد. پژوهش حاضر با استفاده از منابع معتبر کتابخانه ای و مقالات مرتبط، به‌روش تحلیل محتوا و با هدف بررسی اجتهادی و استنباطی «موضوع سرایت بیماری از نگاه فقهی و حدیثی» انجام گرفت و با یافته‌های پزشکی جدید تطبیق داده شد. یافته‌های این پژوهش نشان می دهد که نگرش به حدیث لاعدوی، از نظر روش تحقیق در علم رجال و درایه و فقه الحدیث بحث‌برانگیز است و برخی از راویان آن ضعیف هستند و صدور آن از پیامبر اسلام (ص) ایراد دارد. از نظر دلالت نیز افزون بر تعارض با مسلمات تجربه‌های بشری در زمینه‌های پزشکی، مداخله‌ها و تحلیل های فراوانی برای آن وجود دارد و به‌فرض پذیرش نفی سرایت بیماری در این حدیث، باید گفت که فقط از بیماری واگیردار خاصی مانند «گری» در حیوانات که در حدیث درباره‌ی آن بحث شده، نفی سرایت شده است. با عنایت به اشکالات فراوان بر سند و دلالت حدیث بر سرایت نکردن بیماری و نیز صراحت برخی از احادیث به وجود امکان و وجود سرایت بیماری، مراقبت ای بهداشتی، قرنطینه، فرار از بیماری و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در هنگام شیوع بیماری، امری عقلانی و مشروع و واجب است.

واژه‌های کلیدی: سرایت، بیماری مسری، کرونا، حدیث‌شناسی، فقه پزشکی

◄ **استناد:** حسینی کارنامی، سید حسین؛ علیپور، عباس؛ ملک زاده، رویا. واکاوی مفهوم «سرایت بیماری» در امراض واگیردار از منظر حدیث و فقه پزشکی. دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۴۰۲؛۱۱(۱): ۶۵-۷۸ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

۱. بیان مسئله و پرسش اصلی پژوهش

در طول تاریخ، جوامع انسانی بیماری های مسری فراوانی همانند طاعون، وبا، سل، آبله و حصبه را در گذشته و اپیدمی ویروس کرونا را در سال‌های اخیر به خود دیده‌اند. شیوع بیماری ناشی از ویروس کرونا در سطح کشور و جامعه‌ی اسلامی مسائل فراوانی در گستره‌ی علوم پزشکی، علوم انسانی و اسلامی به دنبال داشته که ازجمله در حوزه‌ی علوم دینی، مشکل‌هایی در عرصه‌ی مباحث کلامی، فلسفی، عرفانی، تاریخی، فقهی و مانند آن ایجاد کرده است.

از نگاه فقه پزشکی نیز احکام تکلیفی و وضعی فراوانی در ارتباط با بیماری‌های واگیر وجود دارد. در بخش احکام تکلیفی، موضوعاتی همانند نماز بیماران کرونایی، کفن و دفن بیماران کرونایی، اقامه‌ی نماز جماعت و قصر و اتمام در صورت نهی حکومت اسلامی در دوره‌ی اپیدمی، صوم به‌منظور ضعف بدن در ایام بیماری عمومی، سقوط استطاعت حج در صورت استمرار بیماری، صرف خمس و زکات خرید تجهیزات و لوازم بهداشتی و ضد عفونی برای بیماران کرونایی و صرف آن در پیشگیری و درمان بیماری واگیر، جواز معاشرت با بیماران کرونایی برای خانواده‌ی بیمار، جواز و رجحان صله‌ی رحم و زیارت حرم‌های اهل بیت در دوره‌ی اپیدمی و در زمینه‌ی احکام وضعی، مسائلی همانند وجوب قرنطینه‌ی بیمار کرونایی، ضمان بیمار کرونایی در صورت تعمد در انتقال ویروس، وجوب اعانه بر متضرران و مانند آن وجود دارد که نیازمند پژوهش و واکاوی استدلالی و اجتهادی است.

حال، پرسش این است که آیا سرایت در بیماری‌های واگیردار، مانند طاعون و کرونا از منظر فقه پزشکی و فقیهان اسلامی پذیرفته است؟

آیا به‌رغم پیشرفت علم پزشکی، می توان با تمسک به محتوای برخی از احادیث منتسب به پیامبر اسلام (ص)، ازجمله حدیث معروف به «حدیث لاعدوی» و تکیه بر بعضی از آموزه‌های طب سنتی منکر سرایت در بیماری شد و مسائل بهداشتی، فاصله‌ی اجتماعی، قرنطینه و مانند آن را رعایت نکرد؟

آیا این احادیث که با مسلمات تجربه‌های بشری در زمینه‌های پزشکی در تعارض است، از نظر روش تحقیق در علم رجال و درایه و فقه الحدیث پذیرفته است؟

این تحقیق تنها یکی از موضوعات مربوط به فقه پزشکی اپیدمی کرونا، یعنی قرنطینه و پیشگیری از سرایت بیماری را بررسی کرده است. باید دید آیا از روایات عام و قواعد فقهی پاسخ قانع‌کننده‌ای در این گستره‌ها به دست می‌آید یا نه.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

بی شک در گذشته، بلاها و بیماری‌های واگیر مانند طاعون، وبا، سل و... در میان ملت های جهان اتفاق افتاده و تاکنون، ده‌ها نوع از بیماری های واگیر شناسایی شده که گاهی شیوع آن فراگیرتر و مخرب تر از کووید ۱۹ بوده که به تخلیه‌ی شهرها نیز انجامیده است. با توجه به تاریخ، محتمل است که بیماری های واگیر در هر دوره ای دوباره روی دهند؛ مثلاً یکی از آن بیماری‌های مهم واگیر طاعون بود (۱). طاعون بیماری عفونی مسری و ناشی از باکتری آلوده بود که میان انسان و حیوانات مشترک است. ناقل اصلی باکتری طاعون حیوانات خانگی و حشرات هستند که از طریق گاز گرفتن و چنگ زدن، ترشحات دهانی خود را وارد بدن انسان می‌کنند و فرد مبتلا به بیماری طاعون، این بیماری را به دیگران نیز انتقال می‌دهد. این بیماری در قرون وسطی، باعث مرگ میلیونها نفر در سراسر دنیا شد و از آن با نام مرگ سیاه نیز یاد می‌شود (۲).

بیماری طاعون در سال ششم قمری، در عصر پیامبر (ص)، روی داد. در زمان عمر بن خطاب هم طاعون آمد. امام بخاری در کتاب الصحیح خود از أبی الأسود روایت می‌کند که او می گوید: «من در زمان عمر بن خطّاب به مدینه آمدم که در آن وقت، مرض آمده بود و مردم در آن زیاد و به‌سرعت می مُردند، من کنار عُمر نشسته بودم که جنازه‌ها پی‌درپی از مقابل ما می‌رفت» (۳). ابن کثیر دمشقی (متوفی در سال ۷۷۴ ق) در کتاب البدایه و النهایه از کتب تاریخی معتبر اهل سنت می نویسد که در سال ۱۸ هجری قمری

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

برابر با ۶۴۰ میلادی، در زمان خلافت عمر بن خطاب، طاعون از روستایی به نام عمواس در فلسطین آغاز شد و همه شامات را فراگرفت و جمع زیادی از مسلمانان را کُشت (۴). به نوشته‌ی طبری در این بلیه، ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر از مسلمانان جان باختند، ازجمله عده‌ای از صحابه و تابعان، ازجمله معاذ بن جبل و همسرش، ابوعبیده جرّاح، یزید بن ابی سفیان، سهیل بن عمرو، ابوجندل از صحابه‌ی پیامبر بر اثر آن بیماری مردند. آن سال را عامّ الرّماد، یعنی سال خاکستر، نامیدند؛ چون بشر در آن خیلی خسارت دید. نقل کرده‌اند که این بیماری ابتدا اشراف را می‌گرفت: «حتی یقال له طاعون الاشراف» (۴-۶). همچنین دینوری (متوفی ۲۷۶ ق) می‌گوید: «در سال ۱۲۷ هجری هم طاعون غراب آمد، چه بسا منشأ آن پرندگان و کلاغ بود یا از مرده‌ها به وجود می‌آید: مرده‌ی حیوانات یا انسان.» (۵) نیز ابن حجرعسقلانی (متوفی ۸۵۲ ق) در کتاب خود می نویسد: «در بیماری طاعون سال ۸۳۳ هجری قمری، هزاران مسلمان مُردند که حمّالِ مُرده‌ها کم شد و کسانی که آن‌ها را غسل بدهند و قبر بِکَنَند کم بودند، در خیابان‌ها جنازه‌ها را مثل قطار به‌دنبال یکدیگر حرکت می دادند و به‌سمت گورستان می بردند.» همچنین، او می‌نویسد: «در بیماری طاعون، در جمادی الأولی در سال۸۳۳ هجری قمری، عدّه‌ی مُرده‌ها فقط در قاهره هر روز به یکی‌دو هزار می‌رسید. مرگ‌ومیر در ممالک سلطان نیز واقع شد و هر روز از ۵۰ نفر زیادتر شد که روزانه به ۵۵۰ نفر در این بلاد رسید و در سودان ۳ هزار نفر مُردند» (۷).

اهمیت مسئله‌ی سرایت به‌گونه‌ای بوده که بعضی از فقیهان و بزرگان هنگام رواج آن بیماری، درباره‌ی آن کتاب‌ها و رساله‌های علمی مختلف نوشتند (۵, ۸).

از این رو، در تعدادی از روایات به موضوع سرایت بیماری پرداخته شد و این احادیث در ابواب مختلف کتب حدیثی و فقهی آمده که در برخی از آن‌ها، هر نوع بیماری مسری و واگیردار و انتقال بیماری انکار شده است، ازجمله روایت معروف به «حدیث لاعدوی»(۳) ([۹]ج۸، ص۱۹۶)، ([۱۰]حدیث۱۴۸۶). در گروه دیگری از احادیث، سرایت بیماری پذیرفته شد و به‌دنبال آن، فرار از منطقه‌ی بیمار به مناطق دیگر که هنوز بیماری در آنجا فراگیر نشده بود، به‌دلیل آنکه موجب انتقال بیماری می‌شود، روا دانسته نشده است ([۱۱]ج ۲، ص ۴۳۱). از این رو، فقهای اسلامی ضمن پذیرش سرایت، به فاصله گرفتن از بیمار و نیز به کراهت فرار از شهرها و مناطق بلازده به دیگر بلاد به‌خاطر انتقال دادن بیماری فتوا داده‌اند (۱۲)، ([۱۳]ج۱، ص۱۰۶ و ج ۲، ص ۲۲).

از سویی نیز پژوهش‌های تحلیلی و تطبیقی فقهی‌پزشکی مناسبی در گستره‌ی مفهومی، اجتماعی و حقوقی بیماری کرونا، نظیر موارد زیر انجام گرفته است: حکمت نیا در مقاله‌ی مبانی اخلاقی، فقهی و حقوقی، الگوی مواجهه‌ی ملی با بیماری‌های همه‌گیر با تأکید بر کرونا، با توجه به رویکردهای مواجهه با مشکل و ضمن شناخت الگوهای مطرح، به حقوق پایه، قواعد و اصول بنیادین پرداخت (۱۴). احمد احسانی فر در مقاله‌ی ابعاد فقهی و حقوقی بیماری‌های واگیرِ خطرناک و سریع‌الانتشار (کرونا) از منظر قاعده‌ی وجوب دفع ضرر محتمل، با استناد به قاعده‌ی عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل»، به اقتضائات متعدد آن در سه حوزه‌ی فردی، اجتماعی و حکومتی پرداخته است که مهم‌ترین آن، بررسی محدودیت اصل آزادی اشخاص در رفتارهای اجتماعی درباره‌ی بیماران مبتلا به بیماری واگیر و دفع ضرر محتمل از خود (ممانعت از انتقال بیماری به خود) و دفع ضرر محتمل از دیگران (ممانعت از انتقال بیماری به دیگران) است (۱۵).

سید مهدی جوکار در مقاله‌ی مبانی فقهی‌حقوقی تکالیف دولت در وجوب پیشگیری و کنترل بیماری‌های مسری، با توجه به شیوع بیماری‌های واگیردار از قبیل سل، وبا و طاعون در گذشته و بیماری کرونا در امروز، به‌منظور وجوب پیشگیری و کنترل شیوع بیماری کرونا و تأمین سلامتی مردم، تکالیفی بر عهده‌ی دولت اسلامی می‌گذارد. این تحقیق با استناد به ادله و قواعد فقهی‌حقوقی و آرای فقیهان به بیان وظایف دولت در این زمینه پرداخته است (۱۶).

حسین هوشمند در مقاله‌ی تأثیر علم و قصد بر مسئولیت مدنی ناقل بیماری‌های واگیردار به بررسی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

مسئولیت افراد در قبال سرایت و انتقال بیماری واگیردار به دیگر افراد جامعه و واکاوی حالت‌های مختلف افراد انتقال‌دهنده از نظر میزان احتمالی که به سرایت بیماری به دیگران می‌دهند، نیز از نظر برخورداری از قصد و اختیار آن‌ها در انجام فعل و در حصول نتیجه، پرداخته است. ناقل بیماری که ظن یا حتی شک سرایت بیماری به دیگران را دارد، به‌دلیل اهمیت محتمل (کشته شدن دیگران) و با توجه به امکان استناد زیان به وی، می‌توان ضمان در نظر گرفت (۱۷).

محمود کریمیان در مقاله‌ای با عنوان مفهوم شناسی پژوهشی درباره°ی خاستگاه واگیردار نبودن بیماری ها در اسلام به اعتبارسنجی حدیث «لا عدوی» و مفهوم‌شناسی آن پرداخت. این حدیث از سویی با مسلمات تجربی و پزشکی و از سوی دیگر، با برخی از روایات معتبر در تعارض است. انتساب این روایت به پیامبر، با توجه به ضعف اعتبار آن در منابع شیعی و تردید یا انکار برخی از راویان اصلی آن در منابع سنی، مورد تردید جدی و اساسی است. بررسی اعتبار سندی حدیث و وجوه مختلفی که درباره‌ی معنای آن می‌توان مطرح کرد و رد آن‌ها، احتمال جعل آن را تقویت می‌کند (۱۸).

در مجموع، این پژوهش‌ها همان‌طور که از عناوین آن‌ها پیداست، به مباحث حقوقی و وظایف افراد و دولت اسلامی در قبال مهار این بیماری و مراقبت و پیشگیری از آن پرداخته‌اند. در هیچ‌یک از این مقالات به مفهوم شناسی سرایت بیماری از دیدگاه فقهی و طبی نپرداخته‌اند. همچنین به مقاله‌ای مستقل در این باب دست نیافتیم.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

با اپیدمی کروناویروس، بعضی از ظاهرگرایان با تمسک به محتوای برخی از احادیث، ازجمله حدیث معروف « لاعدوی» و تلفیق و مقارنه‌ی آن با بعضی از آموزه‌های طب سنتی، سرایت نکردن همه‌ی بیماری‌ها را نتیجه گرفتند. رویکرد این نوع نگرش که با طب مدرن و امکان سرایت بیماری واگیردار در تقابل است، باعث رعایت نکردن مسائل بهداشتی و در نتیجه، شیوع بیماری، افزایش هزینه‌های حوزه‌ی سلامت و نگاه منفی محققان به آموزه‌های اسلامی شد؛ بنابراین، با وجود این روایات در مجامع حدیثی و انعکاس نسبی آن در کتب فقهی، مطالعات محدودی در این باب انجام گرفته و به همه‌ی منابع مدنظر پرداخته نشده است؛ از این رو، این پژوهش بر آن است تا با بررسی و مطالعه‌ی منابع و کتب معتبر حدیثی شیعه، مانند الکافی، من لا یحضره الفقیه، الاستبصار، وسائل الشیعه و برخی از مجامع حدیث اهل سنت، مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم، به این سؤال پاسخ دهد که آیا از منظر متون روایی اسلامی، به‌خصوص شیعه، امکان سرایت عفونت از یک فرد به دیگران وجود دارد. در این پژوهش، احادیث پزشکی مرتبط به بیماری‌های واگیر، مانند طاعون، وبا و جذام که در عصر حضور ائمه‌ی معصوم (ع) نیز اتفاق افتاده، از مجامع روایی و فقهی معتبر و فتاوی فقها واکاوی شده است و در مجموع، دو دسته روایات در باب موضوع وقوع سرایت وجود دارد که تحلیل شده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای و مقالات مرتبط، به‌روش تحلیل محتوا انجام شد. به این منظور، ابتدا با مطالعه‌ی مروری در منابع و کتب معتبر حدیثی، مانند الکافی، من لا یحضره الفقیه، الاستبصار، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، احادیث مربوط تمام عبارات موافق و مخالف امکان سرایت عفونت استخراج و دسته‌بندی شد. سپس تفاسیر و فتاوی علمای شیعه در آن خصوص از منابع فقهی شناسایی و بررسی شد و با استفاده از کلیدواژه‌های سرایت بیماری، بیماری مسری، طاعون و وبا در بانک‌های اطلاعاتی ملی نظیر Magiran, Hawzeh.net, Noormag, Jaame –al- Hadith, Jaame-alTafasir, Teb library , Ahlebit Library مطالب پژوهش کامل‌تر شد و احادیثی با رهیافت‌هایی در مراقبت و جهت‌گیری سرایت بیماری جسمی بر آن افزوده شد. آن‌گاه مبانی صحت و ضعف سند روایات مزبور براساس آموزه‌های علم رجال و به‌روش نرم‌افزار درایه النور ارزیابی و احادیث صحیح و موثق گزینش شد. آرای مفسران و شارحان حدیث نیز مطالعه شد. در نهایت، داده‌های این روایات تجزیه‌وتحلیل و نتایج آن با

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

یافته‌های طبی مقایسه شدند.

یافته‌ها

۱. مفهوم‌شناسی سرایت بیماری در حدیث و طب

سرایت به انتقال عامل بیماری واگیر از فرد یا گروه میزبان آلوده به فرد خاص یا گروه دیگر، صرف نظر از اینکه آن افراد قبلاً آلوده بوده‌اند یا نه گفته می‌شود. این اصطلاح به انتقال مستقیم میکروارگانیسم از یک فرد به فرد دیگر توسط یک راه انتقال هوابرد، همانند سرفه، عطسه و تنفس، تماس جسمی مستقیم، نظیر تماس با فرد آلوده ازجمله تماس جنسی، تماس جسمی غیرمستقیم معمولاً با لمس یک سطح آلوده ازجمله خاک، مسیر دهانی و مقعدی معمولاً از طریق دستان شسته‌نشده، غذا یا منابع آب آلوده گفته می‌شود (۱۹).

در علم جدید، بیماری‌ها به اکتسابی و غیراکتسابی تقسیم بندی می شوند و بیماری‌های اکتسابی نیز خود به دو بخش واگیر (داشتن عامل عفونی شناخته‌شده) و غیرواگیر دسته‌بندی می‌شوند (۱۶). در بیماری های واگیر، عوامل عفونی شامل ویروس ها، باکتری ها، قارچ ها، انگل ها (پارازیت ا) و پریون ها از عوامل عمده‌ی شناخته‌شده به شمار می آیند (۲۰). این عوامل یا به‌صورت مستقیم (بدون واسطه) یا غیرمستقیم (با واسطه‌ی اشیا، آب، هوا، و...) از فرد مبتلا به عفونت به فرد حساس (غیرایمن) منتقل می‌شوند و پیامدهای گوناگون (بیماری، تحت بیماری، ناقلی) در فرد حساس ایجاد می‌کنند؛ به عبارت دیگر، ابتلا به بیماری با ابتلا به عفونت متفاوت است و بیمار شدن نتیجه‌ی واکنش بدن به عامل عفونی است (۲۱).

در تبیین بیمار شدن بیماران، براساس مدل مثلث اپیدمیولوژیک، عوامل میزبانی، عامل بیماری‌زا و محیط نقش دارند و بیمار شدن یا نشدن هر فرد، به تعامل این سه دسته از عوامل بستگی خواهد داشت (۲۲)؛ یعنی ممکن است یک عامل عفونی در گروهی از افراد (با یک شرایط میزبانی خاص، مثلاً گروه سنی یا جنسی یا...) که در یک محیط مشخص زندگی می کنند، علائم بیماری را آشکار کند؛ ولی در گروهی دیگر از افراد (با یک شرایط میزبانی خاص، مثلاً گروه سنی یا جنسی یا...) بیماری را سبب نشود. همین‌طور یک عامل عفونی در یک گروه از افراد که در یک محیط خاصی زندگی می کنند، سبب ایجاد بیماری بشود؛ ولی در افرادی با همان مشخصات که در یک محیط دیگر زندگی می کنند، سبب ایجاد بیماری نشود (۲۳). نکته‌ی مهم در فهم بیماری‌های عفونی (البته می‌تواند به بیماری‌های غیرعفونی نیز تسری یابد) این است که همه‌ی این مفاهیم از شواهد تجربی به دست آمده‌اند و براساس شواهد جدیدتر می توانند تغییر کنند و کامل‌تر شوند، همان‌طور که فهم امروزی دانشمندان این حوزه نسبت به سده‌ها یا حتی دهه‌های قبل، کامل تر شده است (۲۴).

اما از طرف دیگر، ما براساس متون اسلامی، قرآن کریم و روایات منتسب به اهل بیت (ع) نیز می توانیم فهمی دینی از موضوع بیماری های اکتسابی انتقال‌پذیر به دیگران داشته باشیم. این فهم از آن منظر مهم است که هم می تواند به‌خاطر قدسی بودن، چراغ راهی برای بررسی های دقیق تر تجربی و معرفی به جهان باشد و هم از طرف دیگر اگر به‌درستی صورت نپذیرد، مشکلاتی را برای جامعه‌ی دین مداران و به‌خاطر مؤثر بودن رفتار این قشر از جامعه، برای کل جامعه ایجاد کند (۲۵).

براساس یک فهم و برداشت از این منابع، امکان سرایت عفونت از یک فرد به فرد یا افراد دیگر مورد تردید قرار گرفت و در تعدادی از روایات و نصوص شرعی و به‌تبع آن، در سخنان استدلالی برخی از فقهای اسلامی، موضوع سرایت نکردن بیماری آمده و بر آن اساس، برخی ادعا کردند و معتقد شدند که هیچ بیماری مسری و واگیر از نظر حدیثی و فقهی وجود ندارد. از این رو، ویروس کووید۱۹ نیز واگیردار نیست (۳, ۹).

مراد از بیماری مسری در علم حدیث‌شناسی و فقه پزشکی، مانند واژه‌ی «عدوی»، به‌معنای هر نوع بیماری مسری و واگیردار نیست، بلکه مراد از آن بیماری‌هایی است که از طریق مباشرت و مجاورت سرایت کند (۱۶)؛ بنابراین، سرایت در فقه مفهومی خاص است. ممکن است در پزشکی افزون بر این، بیماری‌هایی را که از طریق خون و مانند آن سرایت می‌کند، مسری بگویند که در آن صورت، مفهوم

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

عامی خواهد شد که از موضوع این پژوهش خارج است.

۲. مبانی حدیثی و فقهی سرایت بیماری

با وجود اینکه بحث سرایت بیماری از زمان گذشته مطرح بوده و پذیرفته شده است که برخی از امراض سرایت‌کننده هستند و از فردی به فرد دیگر سرایت می‌کنند، در منابع حدیثی اسلامی و در برخی از روایات شیعه و اهل سنت مضمونی آمده که مشهور به حدیث «لا عدوی» است. متن حدیث بدین گونه است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا عَدْوَى وَ لَا طِيَرَةَ وَ لَا هَامَةَ وَ لَا شُؤْمَ وَ لَا صَفَرَ وَ لَا رَضَاعَ بَعْدَ فِصَالٍ وَ لَا تَعَرُّبَ بَعْدَ هِجْرَةٍ وَ لَا صَمْتَ يَوْماً إِلَى اللَّيْلِ وَ لَا طَلَاقَ قَبْلَ النِّكَاحِ وَ لَا عِتْقَ قَبْلَ مِلْكٍ وَ لَا يُتْمَ بَعْدَ إِدْرَاكٍ»، یعنی «پیامبر (ص) فرمودند: نه سرایت (عدوی)، نه فال بد، نه فال پرنده‌ی شب، نه سوت زدن، نه شیرخوارگی بعد از فصال و از شیر گرفتن، نه تعرّب بعد از هجرت و ایمان، نه روزه‌ی سکوت از روز تا شب، نه طلاق قبل از ازدواج، نه آزادی پیش از بردگی و نه یتیمی بعد از بلوغ هیچ‌کدام واقعیت ندارد»([۹]ج ۸، ص ۱۹۶) ([۱۱]ج ۱۱، ص ۵۰۶).

این روایت به پیامبر منتسب است و به‌معنای نفی سرایت بیماری از بیمار به فرد سالم است. معنای عدوی سرایت بیماری است و اگر در موارد دیگری مانند بیماری‌های معنوی استعمال شود، مجازی است. ظاهر «لَا عَدْوَى» که در این روایت آمده، این است که سرایت از نظر دین امر پذیرفته‌شده‌ای نیست. ممکن است ادعا شود این مضمون امری خلاف وجدان و خلاف واقعیت است. این حدیث با مسلمات تجربی و پزشکی ناسازگار است و سرایت بیماری امری وجدانی است و انکار آن مکابره است؛ زیرا تجربه‌ی قطعی بشری بر این امر قائم است. ممکن است به دین یا مذهب این اشکال گرفته شود که پذیرش مطالبی که اولیای دین مطرح می‌کنند، غیرممکن است؛ چون با علم سازگار نیست. از این رو، اندیشمندان و پژوهشگران مباحث حدیثی به آن توجه می‌کنند و توجیه‌هایی برای معنای آن بیان کرده‌اند. پس اینکه این روایت در متون دینی آمده است، به چه معنی است؟

۳. تحلیل مبانی سرایت بیماری و آثار آن از منظر حدیث و فقه پزشکی

با توجه به روایت مزبور و دیگر احادیث پزشکی منقول از ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام)، در این زمینه دو نظریه‌ی زیر مطرح است. تلاش این نوشتار بر اعتبارسنجی این احادیث و مفهوم‌شناسی آن استوار است و ضمن تبیین و بررسی اعتبار سندی حدیث و تشریح اشکالات و وجوه مختلف توجیه‌ها با ظاهر حدیث و فضای صدور، احتمال نسخ و تصحیف و نقل به معنا، احتمال جعل آنچه را درباره‌ی معنای حدیث می‌توان مطرح کرد و رد آن‌ها را نیز بررسی می‌کند.

۳. ۱. نظریه‌ی اول و دسته‌ی اول روایات درباره‌ی سرایت نکردن بیماری

در تعدادی از روایات و نصوص شرعی و به‌تبع آن، در سخنان استدلالی و فتاوی برخی از فقهای اسلامی، موضوع سرایت نکردن بیماری آمده و بر آن اساس، عده‌ای از محدثین و فقها با استناد به آن، از اساس سرایت را منکر می‌شوند و بر این باورند که هیچ بیماری مسری و واگیرداری از نظر فقهی وجود ندارد. از این رو، ویروس کووید۱۹ نیز واگیردار نیست. شاید عده‌ای که در این دوره می‌گویند که در حرم‌ها کرونا نیست یا اینکه با توحید سازگاری ندارد، با این نظریه موافق‌اند.

این گروه به روایاتی استناد کرده‌اند که ازجمله‌ی آن روایت حسن بن محبوب است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ أَخْبَرَنَا النَّضْرُ بْنُ قِرْوَاشٍ الْجَمَّالُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنِ الْجِمَالِ يَكُونُ بِهَا الْجَرَبُ أَعْزِلُهَا مِنْ إِبِلِي مَخَافَةَ أَنْ يُعْدِيَهَا جَرَبُهَا وَ الدَّابَّةُ رُبَّمَا صَفَرْتُ لَهَا حَتَّى تَشْرَبَ الْمَاءَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ أَعْرَابِيّاً أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أُصِيبُ الشَّاةَ وَ الْبَقَرَةَ وَ النَّاقَةَ بِالثَّمَنِ الْيَسِيرِ وَ بِهَا جَرَبٌ فَأَكْرَهُ شِرَاءَهَا مَخَافَةَ أَنْ يُعْدِيَ ذَلِكَ الْجَرَبُ إِبِلِي وَ غَنَمِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أَعْرَابِيُّ فَمَنْ أَعْدَى الْأَوَّلَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا عَدْوَى وَ لَا طِيَرَةَ وَ لَا هَامَةَ وَ لَا شُؤْمَ وَ لَا صَفَرَ وَ لَا رَضَاعَ بَعْدَ فِصَالٍ وَ لَا تَعَرُّبَ بَعْدَ هِجْرَةٍ وَ لَا صَمْتَ يَوْماً إِلَى اللَّيْلِ وَ لَا طَلَاقَ قَبْلَ النِّكَاحِ وَ لَا

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

عِتْقَ قَبْلَ مِلْکٍ وَ لَا یُتْمَ بَعْدَ إِدْرَاکٍ»(۳)، ([۹]ج ۸، ص ۱۹۶)، ([۲۶]ص ۵۴۶).

کلینی به سند روایی خود از حسن بن محبوب از روات حدیث و از اصحاب امام صادق روایت کرده که «نضر بن قرواش شتردار به ما خبرداده که از امام ابوعبدالله جعفر الصادق (ع) پرسیدم که شترانی به بیماری گری مبتلا شده‌اند و من از ترس آنکه به حیوانات دیگر سرایت نکند، آن‌ها را از شتران دیگرم جدا کرده‌ام ... . حضرت امام صادق (ع) در پاسخ به سخنی از پیامبر استشهاد کرده و فرمودند: مرد عربی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و گفت: گاهی من گوسفند و گاو و شتری را که به گری مبتلا شده‌اند، به قیمت اندک به دست می‌آورم؛ ولی از ترس اینکه گری آن‌ها به دیگر شتران و گوسفندانم سرایت کند، از خریدن آن‌ها نگران و ناراحتم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ای مرد عرب! (اگر این‌گونه باشد) پس چه کسی نحستین بار سرایت داد؟ سپس پیامبر (ص) فرمودند: نه سرایت وجود دارد، نه فال بد، نه فال پرنده‌ی شب (جغد)، نه سوت زدن، نه شیرخوارگی بعد از فصال و از شیر گرفتن، نه تعرّب و جاهلیت بعد از هجرت و ایمان، نه روزه‌ی سکوت از روز تا شب، نه طلاق قبل از ازدواج، نه آزادی پیش از بردگی و نه یتیمی بعد از بلوغ» (۹). از امام علی علیه‌السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «الْعَیْنُ حَقٌّ، وَ الرُّقَی حَقٌّ، وَ السِّحْرُ حَقٌّ، وَ الْفَأْلُ حَقٌّ، وَالطِّیَرَةُ لَیْسَتْ بِحَقٍّ، وَالْعَدْوَی لَیْسَتْ بِحَقٍّ»، یعنی «چشم زخم، دعا و افسون، سِحر و جادو و فال حقیقت دارد؛ اما فال بد زدن و سرایت بیماری حقیقت ندارد» ([۲۶]حکمت۴۰۰). نیز فرمود: «الْعَدْوَی لَیْسَتْ بِحَق»، یعنی «سرایت وجود ندارد» (۲۷). همچنین از پیامبر نقل شده که با فردی جذامی هم‌کاسه شد و فرمود: «أَنَّهُ صلی الله علیه و آله أَکَلَ مَعَ الْمَجْذُومِ فَقَالَ آکُلُ ثِقَةً بِاللَّهِ وَ تَوَکُّلًا عَلَیْهِ»، یعنی با توکل بر خدا و اعتماد بر او، بخور. نیز از آن حضرت درباره‌ی گریز از جذامی پرسش کردند و او جواب داد: «أَنَّ امْرَأَةً سَأَلَتْ بَعْضَ أَزْوَاجِهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الْفِرَارِ مِنَ الْمَجْذُومِ فَقَالَتْ کَلَّا وَ اللَّهِ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لا عَدْوَی»، یعنی «نه، به خدا سوگند هرگز، سرایت وجود ندارد» ([۲۸]ج ۷۲، ص ۱۳۱).

جزری در تفسیر حدیث نبوی «لا عدوی...» می‌نویسد: «عدوی از نظر ادبی، اسم از واژه‌ی أعداء به‌معنای سرایت بیماری از فردی به فرد دیگر است؛ مثلاً شتری بیماری گال و گری داشته باشد و به شتر یا حیوان دیگری سرایت کند. به‌جهت پرهیز از سرایت آن بیماری به شتران دیگر، شتر گری‌دار از دیگر شتران جدا می‌گردد تا به دیگران سرایت نکند و مبتلا نگردند.» جزری می‌افزاید: «اعراب می‌پنداشتند که بیماری فی‌نفسه و به‌خودی‌خود سرایت می‌کند؛ ولی پیامبر (ص) به آن مرد اعرابی فهماند که اسلام این‌گونه تسری را باطل کرده و پیامبر به آن‌ها خبر داد که چنین نیست و آن را نفی کرده و نپذیرفته است؛ زیرا تنها خدای سبحان است که مریض می‌کند و تنها او است که درد را نازل می‌کند» (۸). به همین دلیل است که در برخی از احادیث می‌فرماید: «اگر زمینه و عامل بیماری گری سرایت است، پس اولین شتر را چه کسی آلوده کرد؟ گال و بیماری پوستی از کجا آمده است؟»([۹]ج ۸، ص ۱۹۶). برخی تصور می‌کردند که باید از افرادی که به بیماری وبا مبتلا شده‌اند، فرار کنند تا به بیماری دچار نشوند؛ درحالی‌که بیماری‌هایی مثل وبا را که به اعتقاد مردم مسری هستند، خداوند در یک شب و یک زمان نازل می‌کند و با آب یا هوا مخلوط می‌شوند و هرکس از آن آب بنوشد، مبتلا می‌شود. چنانچه در صحیفه‌ی سجادیه، در دعای بر دشمن می‌فرماید: «اللهم وامزج میاههم بالوباء»، یعنی «پروردگارا، آب‌هایشان را با وبا مخلوط کن» (۲۹).

این گروه با استناد به این‌گونه احادیث، سرایت بیماری از شخصی به شخص دیگر را از خرافات جاهلیت و ساخته و پرداخته‌ی رمالها و جادوگران و از افکار کسانی می دانند که از تعالیم انبیا و وحی فاصله گرفته و صرفاً تجربه و دیدن و عقل را وسیله‌ی فهم پدیده‌ها در عالم می‌دانند. آنان می پندارند که این باور خرافی را پزشکی امروز هم پذیرفته و با ایجاد رعب در مردم، انواع واکسن ها و داروها و سایر مقاصد سیاسی و اقتصادی را بر مردم تحمیل می‌کند. پیامبر (ص) این دیدگاه خرافی را نقد کرده و سعی کرده این موارد خرافی را از برخی از مسائلی که حقیقت دارند، تفکیک کند.

در میان این دسته از روایات، مهم‌ترین آن‌ها حدیث

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

«لاعدوی» است. این حدیث از گذشته تا حال، از نظر سند و دلالت، دستخوش نقد و نظریات حدیث‌پژوهان شیعی و اهل سنت بوده و اندیشمندان و پژوهشگران مباحث حدیثی به آن توجه کرده‌اند و توجیه‌هایی برای معنای آن بیان کرده‌اند.

از نظر سندی، این حدیث در مصادر نخستین و کهن شیعه آمده و در منابع بعدی نیز قسمتی از این حدیث یا همان جمله در ضمن حدیثی بازتاب یافته است. در نهج‌البلاغه آمده است: «الطِّيَرَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ وَ الْعَدْوَى لَيْسَتْ بِحَق»، یعنی «فال بد و واگیری حقیقت ندارد» ([۲۶]ص ۵۴۶). همچنین این روایت در منابع حدیثی معتبر اهل سنت، ازجمله صحاح سته نیز با گزارش‌های گوناگون آمده است(۳) ([۱۰]حدیث۱۴۸۶).

با وجود این، سند این حدیث بحث‌برانگیز است و حدیثی ضعیف قلمداد شده؛ زیرا راوی آن، یعنی نضر بن قرواش جمّال فردی ناشناخته است و علامه‌ی مجلسی در مرآة العقول این حدیث را «مجهول» خوانده است (۳۰). برخی در دوره‌ی معاصر، این حدیث را جعلی خوانده‌اند.

از نظر دلالت، حدیث «لاعدوی» در زمره‌ی احادیث مشکله در میراث حدیثی است که فهم آن برای شارحان و مؤلفان کتاب‌های حدیثی صعب است و هر یک به‌تناسب زمان خویش، آن را تبیین کرده و معنایی پذیرفتنی برای آن ذکر کرده است و توجیهی نیز در جمع بین این حدیث و احادیثی که معارض آن به نظر می‌رسد، ارائه کرده است.

گذر زمان و آشنایی با علوم جدید گاهی باعث می‌شود دید دیگری در فهم حدیث پدید آید و احتمال جدیدی را در پی آورد یا احتمال‌های قبلی مردود شود. برخی از ظاهرگرایان از این حدیث، مطلق نفی سرایت بیماری را استنباط کرده‌اند. این حدیث ایرادهای متعدّدی بر ادعای سرایت نکردن دارد که در زیر، به نُه اشکال آن اشاره می‌کنیم:

یکم: به نظر می‌رسد اطلاق «عدوی» در لغت عرب، به هر نوع واگیر ثابت نیست، بلکه در برخی از منابع لغت، این مفهوم با توجه به همین حدیث درباره‌ی مرض جرب و در نهایت، جذام و بَرَص که عرب جاهلیت آن‌ها را شوم و واگیردار می‌پنداشت و از مجالست با متبلایان به آن پرهیز می‌کرد، به کار می‌رفته است. لغت‌شناسان نیز درباره‌ی واژه‌ی «عدوی» گواه این استنباط‌اند. در جمهرة می‌نویسد: «عَدْوی: من عَدْوی الجَرَب و ما أشبهه»، یعنی «واگیری: سرایت از گال و مانند آن». زهری (متوفی سال ۳۷۰ قمری) نیز در کتاب تهذیب خود آورده: «العَدْوی أن یکون ببعیر جَرَب أو بإنسان جُذَام أو بَرَص فتتّقی مخالطته...»، یعنی «عفونت آن است که با شتر گال باشد یا با انسان جذام یا برص، پس از تماس با آن اجتناب کنید... .» در برخی دیگر از منابع آمده: عدوی به‌معنای بیماری و فسادی است که از شخصی به دیگری سرایت و تجاوز می کند (۳۱, ۳۲).

از سوی دیگر، سرایت نکردن بیماری با واژه‌ی «لَا عَدْوَی» در این حدیث در کنار «لَاطِيَرَةَ وَ لَا هَامَةَ وَ لَا شُؤْمَ وَ لَا صَفَر»، یعنی «نه بیماری و نه بدشگونی و نه هامه و نه صفر، هیچ‌یک در اسلام جایگاه و اصالتی ندارد» قرار گرفته که طیره به‌معنای فال بد زدن از صدای پرنده، هامَة شومی جغد که به اعتقاد آنان از استخوان یا روح اموات پدید آمده است، شُؤم و بدیُمنی که آن را ناشی از بعضی از افراد و اشیا یا وقایع می‌دانستند، ماه صفر که از دید عرب جاهل، ماهی نحس و آکنده از بلا و فتنه بود؛ بنابراین، سرایت بیماری هم از موهومات است که اهل جاهلیت معتقد بودند که بیماری خودبه‌خود و نه بر مبنای تقدیر الهی سرایت می‌کند و از شخصی به دیگری منتقل می‌شود. وحشت اعراب از مرض جرب و جذام، نه صرفاً به‌خاطر خود بیماری که به‌خاطر شومی حتمی موهوم آن در فرهنگ جاهلیّت بود. به گفته‌ی ازْدی (م ۴۶۶ ق) در کتاب الماء توجّه کنید: «أنّه نفی لِما کانت تعتقده العرب من أنّ المرض یُعدی بطبعه من غیر اعتقاد تقدیر الله»، یعنی «آن عقیده‌ی اعراب مبنی بر مسری بودن این بیماری، طبیعتاً بدون اعتقاد به تقدیر خداوند را انکار می‌کرد»؛ لذا به نظر می‌رسد که هدف پیامبر یادآوری کردن نقش خدا و خواست او در وقایع زندگی به اعراب جاهلی بود. شاهد دیگر این قضیه، موارد نفی‌شده‌ی بعدی در حدیث فوق است که به قرینه‌ی «وحدت سیاق» می‌تواند بر مقصود پیامبر از «لا عدوی» و این که ناظر به باورهای پوچ جاهلی است، دلالت کند. بدیهی است که هیچ‌یک از

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

این موارد، ربطی به حوزه‌ی سلامت و طبابت ندارد، بلکه وجه مشترکشان این است که عرب جاهلی آن‌ها را به‌تمامی نحس می‌شمرد و در صورت مواجهه، بدون آنکه حسابی برای مشیّت الهی باز کند، منتظر وقوع حادثه‌ی ناگواری می‌نشست. به این مناسبت، نبی خدا (ص) همه‌ی آن‌ها را یک‌جا و در یک سیاق انکار کرده است.

دوم: بر فرض که «عدوی» از نظر لغوی، «واگیری در همه‌ی امراض» را معنی دهد و به‌معنای واگیری در همه‌ی بیماری‌ها باشد، به مقتضای اینکه سؤال آن شخص درباره‌ی بیماری خاص «جرب» و گری است، اطلاق حدیث نبوی به‌خاطر وجود «قدر متیقن در مقام تخاطب» قابل تمسّک نبوده و نمی‌توان به استناد آن، اصل واگیری را درباره‌ی هر مرضی انکار کرد.

سوم: برخی نیز در جمع بین این حدیث و حدیث «فر من المجذوم فرارک من الاسد» چنین توجیه کرده‌اند که «حدیث فرار» دال بر وجوب فرار است و حدیث «لا عدوی» را تخصیص می‌زند ([۳۳]ج ۸، ص ۳۵۸)، (۳۴).

چهارم: برخی دیگر گفته‌اند که در این روایت، اندکی نقل به معنا یا تصحیف صورت گرفته است. با توجه به قرائن موجود، حدیث «لا عدوی» در مقام دفع آموزه‌ای خرافی یا آموزه‌ای اشتباه از اعراب بیان شده است و در مقام نفی سرایت بیماری از شخص بیمار به شخص سالم نیست (۳۵).

احتمال تصحیف و نقل به معنا نیز صحیح نیست؛ زیرا سؤال اعرابی از پیامبر (ص) و نیز نضر بن قرواش از امام صادق(ع) درباره‌ی ترس از سرایت بیماری جرب از حیوان بیمار به حیوانات سالم و شیوع آن است؛ علاوه بر آنکه در برخی از گزارش‌ها، بعد از اینکه پیامبر فرمود: «لا عدوی»، شخص اعرابی می‌پرسد: «پس چگونه است که شترهای من مانند آهوان در بیابان مشغول چریدن هستند و با ورود یک شتر مبتلا به جرب آن‌ها نیز به این بیماری مبتلا می‌شوند؟» پیامبر براساس این نقل در پاسخ می‌گوید: «فرد اول بیماری را از چه کسی گرفت یا بیماری از چه کسی به اولی سرایت کرد.» ثالثاً، مگر آن شتردار سؤال‌کننده از پیامبر (ص) یا امام صادق (ع) از نقش مستقل طبیعت در سرایت بیماری سؤال کرده بود که حضرت با این بیان آن را نفی نماید؟

به عبارت دیگر، با توجه به قرینه‌ی «وحدت سیاق»، منظور پیامبر اکرم (ص) از نفی سرایت، نفی از اعتقاد خرافی است. شاهد این برداشت نفی موارد دیگر است که در روایت بیان شده است. حضرت نفی «لا عدوی» را در کنار مواردی مانند طیره، هامَة، شُؤم و صَفَر که از باورهای غلط جاهلی بود قرار می‌دهد. بدیهی است که هیچ‌یک از این امور، ارتباطی با حوزه‌ی سلامت و طبابت ندارد، بلکه وجه مشترکشان این است که عرب جاهلی آن‌ها را به‌تمامی نحس می‌شمرد و در صورت مواجهه، منتظر وقوع حادثه‌ی ناگواری می‌بود؛ به همین دلیل، نبی خدا (ص) همه‌ی آن‌ها را یک‌جا و در یک سیاق انکار کرده است و نقش خداوند و مشیت الهی در وقایع زندگی را به اعراب جاهلی یادآوری می‌کند؛ در نتیجه، این حدیث معارض با روایاتی همچون «فِرَّ مِنَ الْمَجْذُومِ فِرَارَک مِنَ الْأَسَد» و نیز مخالف با مسلمات علوم تجربی عصر حاضر نیست.

پنجم: مضمون این حدیث با مسلمات تجربه‌های بشری در زمینه‌های پزشکی و سرایت برخی از بیماری‌ها و مسری بودن آن‌ها نیز ناسازگار است. وجود بیماری‌های مسری، نه‌تنها امری قطعی است و همه‌ی اطبّای کهن و مدرن بر آن توافق دارند، بلکه از وجدانیّات هر انسان عاقلی است و وجدانیات قطعی، حتی از دید خود اخباریان سنّتی نیز حجّت بوده و نمی‌توان با تمسّک به ظاهر یک حدیث، آن‌ها را نادیده گرفت.

ششم: نهی در این حدیث، نهی تکوینی نیست تا معنا چنین باشد: «واگیر واقعیت ندارد»، بلکه نهی مولوی است؛ یعنی «از واگیر دوری‌کنید».

هفتم: برخی گفته‌اند مقصود این است که پیامبر (ص) با این بیان، نقش مستقل طبیعت را در سرایت بیماری نفی کرده و به نقش خدا در امور، ازجمله سرایت بیماری توجه داده‌اند. پس تا مشیت خداوند نباشد، بیماری سرایت نمی‌کند و به مشیت الهی بیماری از او دور می‌شود؛ بنابراین، ویروس‌ها و میکروب‌ها نمی‌توانند در سرایت بیماری به‌طور مستقل و بدون اراده‌ی خداوند نقشی داشته باشند ([۲۸]ج ۵۵، ص ۳۱۹). بیماری استقلالی در سرایت خود ندارد و سرایت آن منوط به خواست خداوند است ([۳۳]ج ۱۲، ص

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

۲۵۸)، بسیاری از اندیشمندان شیعه و سنی به این نظر قائل هستند (۳۶)، پس با دستور فرار از جذامی و امثال آن برای عامه‌ی مردم که به‌دلیل ضعف یقین، به حق تعالی پناه نمی‌برند، منافاتی ندارد. روایت کرده‌اند که علی بن الحسین علیه‌السلام با جذامیان غذا خورد و آنان را به غذای خویش دعوت کرد و به آنان طعام بخشید و گفته شد که جذام از این مدرسه خارج است.

هشتم: گفته‌اند که آنچه از بیماری منتشر می‌شود، انتشار رایحه‌ی بیماری است و آن است که به بیمار شدن همنشین با شخص بیمار منجر می‌شود و خود بیماری سرایت نمی‌کند (۳۷).

ابن قتیبه در تأویل حدیث «لا عدوی» می‌گوید: «این کلام همان معنای ظاهری خود را دارد و صحیح هم هست؛ زیرا بیماری سرایت نمی‌کند، بلکه آنچه از بیمار منتشر می‌شود، رایحه‌ی بیماری است و آن است که به بیمار شدن همنشین با شخص بیمار یا همسر وی و... منجر می‌شود. این احتمال با ظاهر حدیث و سیاق آن سازگار نیست؛ زیرا پیامبر (ص) در فقرات بعدی حدیث، در صدد نهی از اعتقاد به آن‌ها نیست، بلکه در صدد نفی حقیقت آن‌ها یا آثار و احکام مترتب بر آن‌ها است؛ علاوه بر اینکه تفاوت بین فقره لا عدوی و فقرات دیگر، آن است که سرایت بیماری واقعیت خارجی دارد و از مسلمات علم پزشکی و تجربیات بشر است، برخلاف اموری چون فال بد زدن و شوم بودن چیزی و... .»

نهم: در بین روایات معصومان (علیهم‌السلام)، احادیثی وجود دارد که با حدیث «لا عدوی» معارض است؛ مانند روایت ترخیص در فرار از بیماری طاعون که دلالت بر سرایت بیماری داشت که در ادامه در دسته‌ی دوم احادیث مطروح در این موضوع بدان پرداخته می‌شود.

همچنین برای روایات سرایت نکردن بیماری، مؤیداتی نیز وجود دارد؛ مانند روایاتی که می گوید امامان معصوم (ع) با بیماران جذامی و مانند آن می نشستند و با آنان غذا تناول می‌کردند؛ چنان‌که در روایت هشام بن سالم آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص عَلَى الْمُجَذَّمِينَ وَ هُوَ رَاكِبٌ حِمَارَهُ وَ هُمْ يَتَغَدَّوْنَ فَدَعَوْهُ إِلَى الْغَدَاءِ فَقَالَ أَمَا إِنِّي لَوْ لَا أَنِّي صَائِمٌ لَفَعَلْتُ فَلَمَّا صَارَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَمَرَ بِطَعَامٍ فَصُنِعَ وَ أَمَرَ أَنْ يَتَنَوَّقُوا فِيهِ ثُمَّ دَعَاهُمْ فَتَغَدَّوْا عِنْدَهُ وَ تَغَدَّى مَعَهُم»، یعنی «علی بن ابراهیم از پدرش، عن ابن ابی عمر عن هشام بن سالم، به نقل از ابی عبدالله علیه‌السلام فرمود: علی بن الحسین صلوات الله علیهما گذرش بر جذامیان افتاد، حضرت سوار الاغش بود و آن‌ها صبحانه می‌خوردند. امام را به صبحانه دعوت کردند، فرمود: اگر روزه نمی‌داشتم می‌پذیرفتم و چون به منزلش رفت، دستور فرمود غذایی لذیذ و خوب بسازند، سپس برای صبحانه از آن‌ها دعوت کرد و خود هم با آن‌ها صبحانه خورد». ملاصالح مازندرانی نیز می فرماید: «و مما یؤید ذلک ما روی من طرق العامه عن جابر أنه (ص) أکل مع المجذوم فقال "آکل ثقه باللّه و توکلا علیه" و من طرقهم أیضا ان امرأه سألت بعض أزواجه (ص) عن الفرار من المجذوم فقال کلا و اللّه و قد قال رسول اللّه (ص) لا عدوی» ([۳۳]ج ۸، ص ۳۴۳) .

ممکن است در تفسیر این حدیث گفته شود که معصومان علیهم‌السلام بیماری‌هایی مانند جذام را که نفرت عمومی را به دنبال دارند، نمی گیرند. این مورد خاص معصومان (ع) است و معنای این روایات این نیست که دیگران از جذامی فاصله نگیرند. از این رو، امامان معصوم (ع) دیگران را از معاشرت و هم‌نشینی با شخص جذامی یا مبتلا به طاعون تحذیر کرده و فرموده‌اند که همانند دیدن شیر درنده از بیمار جذامی و مانند آن فرار کنید.

از این رو، به نظر می‌آید به این دلایل است که این متن به‌گونه ای که اکنون به‌صورت مستقل شنیده می شود، امری خلاف وجدان و ضرورت است. این مشکل نشئت‌گرفته از این است که این قطعه از روایت به‌طور مستقل لحاظ شده است؛ درحالی‌که این متن ضمیمه و ملابسات و شرایطی دارد که اگر در آن شرایط معنا شود، مطلب درستی است. اشکالی که از این متن به ذهن می رسد، به این متن اختصاص ندارد و در متون بسیاری، نظر استقلالی به متن بدون در نظر گرفتن قرائن مرتبط با آن متن، موجب سوءبرداشت و خطاهای فاحش شده است.

نتیجه آنکه در سخن منتسب به رسول خدا (ص)، اصل سرایت در همه‌ی بیماری‌ها نفی نشده، بلکه اطلاق حدیث

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

نبوی با توجه به وحدت سیاق، اعتقاد خرافی و نقش مستقل طبیعت در سرایت بیماری را نفی کرده است. ثانیاً، به‌فرض پذیرش نفی سرایت بیماری در این حدیث، باید گفت که تنها از بیماری واگیردار خاصی مانند «گری» در حیواناتی مثل شتر که در سؤال مطرح شده، نفی سرایت شده است. بر این اساس، سرایت نکردن بیماری را نمی‌توان از آموزه‌های حدیثی دانست.

۳. ۲. نظریه‌ی دوم و دسته‌ی دوم روایات دال بر سرایت بیماری

نظریه‌ی دوم آن است که بیماری مسری وجود دارد و مستلزماتی همانند احکام تکلیفی و وضعی مرتبط با آن، مثل مراعات فواصل اجتماعی، وجوب قرنطینه‌ی بیمار، فرار نکردن از محل بیماری به بلاد دیگر، ضمان بیمار کرونایی در صورت تعمد در انتقال ویروس، وجوب اعانه بر متضرران و... مطرح شده است. قائلان به این نظریه نیز به روایاتی استدلال و استناد کرده‌اند؛ یعنی در مقابل دسته‌ی اول از روایات که سرایت بیماری را نفی و نقد می‌کرد، در دسته‌ی دیگری از احادیث، به‌صورت صریح یا ضمنی موضوع سرایت بیماری آمده است. ازجمله در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «وَ کَرِهَ أَنْ یُکَلِّمَ الرَّجُلُ مَجْذُوماً إِلَّا أَنْ یَکُونَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ وَ قَالَ فِرَّ مِنَ الْمَجْذُومِ فِرَارَکَ مِنَ الْأَسَدِ»، یعنی «از انسان مبتلا به خوره (جذامی) فرار کن، چنانچه از شیر درنده فرار می کنی» (۳۸). شیخ صدوق این روایت را به دو سند نقل کرده است. این روایت در کلام برخی از فقها، مانند محقق کرکی در جامع المقاصد و علامه‌ی حلی در قواعد شهید ثانی در کتاب مسالک الأفهام به‌صورت روایتی قطعی پذیرفته شده و براساس آن، بیماری‌هایی مانند جذام، برص و جنون را به‌عنوان مجوز فسخ نکاح برای مرد و زن مطرح کرده‌اند (۳۹-۴۱)؛ زیرا این بیماری‌ها از امراضی هستند که به نظر پزشکان مسری است و موجب تنفر انسان، سبب نفی هم‌بستری و جماع در رابطه‌ی زناشویی و موجب ضرر و خطرهای فراوان جانی می‌شوند.

در برخی از روایات آمده: «ناولوهم علی أطراف الرماح»، یعنی «به حاشیه و گوشه‌ها نیز آنان را غذا دهید» (۴۲).

گفتنی است که مضمون روایت «فرّ من المجذوم فرارک من الأسد»، یعنی «از فرد جذامی همانند شیر فرار کن» در روایات عامه نیز بیان شده است.

مرحوم صاحب وسائل فرموده از این روایات کراهت تحذر از عدوی فهمیده می‌شود و بابی با عنوان «بَابُ کَرَاهَهِ الْحَذَرِ مِنَ الْعَدْوَی»[۱۱]ج ۱۱، ص ۵۰۶) و «أبواب کَرَاهَهِ الْحَذَرِ مِنَ الْعَدْوَی وَ کَرَاهَهِ الصَّفَرِ لِلدَّابَّهِ وَ غَیْرِهَا» (باب۲۸، ط آل البیت) مطرح کرده است. البته استنباط شیخ حر عاملی اشکال دارد؛ زیرا مفاد این احادیث وجوب تحذر است، نه کراهت.

روایت دیگری که در روایات عامه آمده این است: «لَا یُورِدُ الْمُمْرِضُ عَلَی الْمُصِحِّ»، یعنی «بیمار به‌سراغ سالم نمی-آید» (۴۳). مفاد روایت این است که سرایت اتفاق می‌افتد، مگر موردی که مسری نبودن آن ثابت شود.

بحث

.؟؟؟

نتیجه‌گیری

ازآنچه گفته شد، روشن می‌شود که دو دسته روایت در باب سرایت بیماری‌های واگیردار، مانند طاعون، جذام و... وجود دارد که نظریه‌ی نگارنده آن است که روایاتی که از مسری نبودن آن‌ها می‌گویند، از نظر سند ضعیف هستند و از نظر دلالت، توان معارضه با روایات دسته‌ی دوم را ندارند که از مسری بودن این بیماری‌ها می‌گویند. برخی از آن توجیه‌ها با ظاهر حدیث و فضای صدور آن سازگار نیست. همچنین، احتمال نسخ و تصحیف و نقل به معنا نیز در آن مردود است.

این نوشتار تلاش کرد تا براساس معیار و روش اعتبارسنجی فقه الحدیث، ضمن اشاره به اعتبار سند این احادیث، همه‌ی روایات موجود در این زمینه را مفهوم-شناسی کند و اشکالات محتوایی و وجوه مختلفی را که درباره‌ی معنای آن‌ها می‌توان مطرح کرد و نیز نقد آن‌ها را تبیین و تحلیل کند.

روشن شد که در تحلیل محتوای دسته‌ی اول از

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

احادیث، مداخلات فراوانی وجود دارد؛ زیرا اولاً با مسلمات تجربه‌های بشری در زمینه‌های پزشکی در تعارض است. ثانیاً، در سخن منتسب به رسول خدا (ص) اصل سرایت در همه‌ی بیماری‌ها نفی نشده، بلکه اطلاق حدیث نبوی با توجه به وحدت سیاق، اعتقاد خرافی و نقش مستقل طبیعت در سرایت بیماری را نفی کرده است. ثالثاً، به‌فرض پذیرش نفی سرایت بیماری در این حدیث، باید گفت که تنها از بیماری واگیردار خاصی مانند «گری» در حیواناتی مثل شتر که در حدیث از آن سؤال شده، نفی سرایت شده است. رابعاً، مضمون حدیث «لاعدوی» با برخی از روایات معتبر دیگر در تقابل است و در آن احادیث، به‌صراحت به موضوع سرایت بیماری و لزوم مراقبت‌های بهداشتی، قرنطینه، فرار از بیماری و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در هنگام شیوع بیماری اشاره شده است.

بنابراین، با عنایت به اشکالات فراوان بر سند و دلالت حدیث سرایت نکردن بیماری و از سوی دیگر، صراحت برخی از احادیث به تحقق و وجود عینی خارجی سرایت بیماری در انسان‌ها و تأیید آن با داده‌های پزشکی جدید، می‌توان از نظر تحلیل فقه الحدیثی و عقلی، مراقبت‌های بهداشتی، قرنطینه، فرار از بیماری و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در هنگام شیوع بیماری را امری عقلانی و مشروع و واجب دانست و بدان ملتزم شد و از نظر فقهی بدان فتوا داد.

پیشنهادات

.؟؟؟

حمایت مالی

مطالعه‌ی حاضر بدون حمایت مالی از سوی مؤسسه خاصی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می‌کنند که در این پژوهش اصول اخلاقی مرتبط به پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع

انجام این تحقیق تعارضی با منافع افراد حقیقی و حقوقی ندارد.

تشکر و قدردانی

از تمام افرادی که در معرفی منابع و فراهم کردن آن‌ها به پژوهشگران کمک کرده‌اند و نیز افرادی که با راهنمایی های علمی خود نویسندگان را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می شود.

References

1. Farazmand A. Back to the plague of Albercamo with covid-19. Iranian Journal of Biology. 2021; 4(8):156-7 (Persian).
2. Khoobdel M, Ranjbar R, Sendi JJ, Shayegan D. Effective and safe control of plague-carrying fleas using insect growth regulators: a review study. Journal of Military Medicine. 2021; 23(6):529-40 (Persian).
3. Bokhara AM. sahi al-bokhara. Beirut - Lebanon.: Daroalfekr; 1401.V7. P. 31.
4. Ibn Kathir Damshqi. Al-Bedayat va Al-Nahayat. Beirut - Lebanon.: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi; 1988.V1. P. 308.
5. Dinori Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim. Al-Ma'arif. Egypt - Cairo: The Egyptian General Book Organization; 1992.V1. P. 601.
6. Tabari Muhammad Ibn Jarir. Tarikh al-Rasul wa al-Muluk,. Tehran, Iran: Asatir; 1983.V1. P. 223.
7. Asqlani, Ibn Hajar Shahab al-Din. Fath al-Bari. 2th ed. Beirut: Dar al-Marafa.
8. Jazairi N. Maskan al-Shojn fi Hkam al-Farar Man al-Ta'oun. Iran: Asr Jawan; 2021.
9. Koleyni M. Al-Kafi. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah; 1986.
10. Nishabouri M. Sahih Muslim. Beirut: Dar Al-Fikr, Beta.; 1980.
11. Amili H. Wasa'il al-Shia. Iran, Qom: Aal al-Bayt Foundation; 1988.
12. Najafi MH. Jawaher al-Kalam fi Shara'i al-Islam. Beirut: Dar al-Turath al-Arabi; 1983.V23. P. 259.
13. Tabataba'i- Yazdi SMK. Urwa Al-Wuthqa. Beirut: Al-Alamy Publications Institution; 1989.
14. Hekmatnia M. Ethical principles, jurisprudence and the pattern of national confrontation all with emphasis on the

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

corona. Journal of Islamic Law. 2020; 64(17):27-70 (Persian).
15. Ehsanifar A. Jurisprudential and legal aspects of dangerous and rapidly spreading infectious diseases (corona) from the perspective of the rule of obligation to eliminate possible harm. Journal of Islamic Law. 2020; 17(64):143-74 (Persian).
16. Jokar SM. Jurisprudential and legal fundamentals on governmental duties in the obligation to prevent and control contagious disease (COVID-19 case study). Iranian Journal of Medical Law. 2021; 15(56):207-23 (Persian).
17. Hoshmand H. The effect of science and intention on civil liability of infectious diseases' carrier. Journal of Medical Jurisprudence. 2020; 12(42):1-8 (Persian).
18. Mahmoud K. Hadith"La'a'dwi": attribution and conceptualization; A research about the origin of non-contagious diseases in Islam. Science of Hadith. 2016; 79(21):3-25 (Persian).
19. Bush AO, Fernandez JC, Esch GW, Seed JR. Parasitism: the diversity and ecology of animal parasites: Cambridge University Press; 2001.
20. Sadrizadeh B. Emerging Infectious Diseases. Journal of Culture and Health Promotion of the Academy of Medical Sciences. 2020; 4(1):9-13 (Persian).
21. Emson HE. Health, disease and illness: matters for definition. CMAJ: Canadian Medical Association Journal. 1987; 136(8):811.
22. Munir M. Plant disease epidemiology: disease triangle and forecasting mechanisms in highlights. Hosts Virus. 2018; 5(1):7-11.
23. World Health Organization. Report of the WHO/FAO/OIE joint consultation on emerging zoonotic diseases. New York; 2004.
24. Mirsalehian A, Dalvand M. History of bacterial infection diseases in Iran. Iranian Journal of Medical Microbiology. 2018; 12(4):230-8 (Persian).
25. Jin P, Raznahan M. The views of different groups on the treatment of plague and cholera in the safavid period: an analysis based on historical texts. Historical Sciences Studies. 2020; 12(2):21-42.
26. Al-Razi M. Nahj al-Balaghah. Qom: Hijrat; 1993.
27. Nouri MH. Mostadrak al-Wasail. Qom: Al-Al-Bayt Institute; 1987.V8. P. 120.
28. Majlisi MB. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi; 1982.
29. S-AbA-H. Sahifah Sajjadiyah: Pyam Azadi; 2010.p.146.
30. Majlesi MB. Miryah al-Aqool fi Sharh Akhbar Al-Ar-Rasoul. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya; 1990.V26. P. 96.
31. Ibn Manzoor M. Lisanul Arab. Lebanon, Beirut: Dar Sadir; 1994.V15. P. 39.
32. Tareehi F. Majma Al-Bahrin. Tehran: Mortazavi bookstore; 1996.
33. Mazandarani MS. Sharh al-Kafi. Tehran: Al-Maktaba al-Islamiyya; 1990.
34. Karimian M. Hadith "La Adwi": attribution and conceptualization (research on the origin of non-contagiousness of diseases in Islam). Journal of Hadith Sciences. 2016; 21(1):3-25.
35. Amiri A. Explanation on the Hadith "La Adwi". Available from: http://tebona.ir/2018/06/942/
36. Ibn Hajar Sh. Fath al-Bari. 2 th de. Beirut: Dar al-Marafa.V1. P. 135.
37. Ibn Qutiba A. Taweel mokhtalef Al- hadith. Beirut: Dar al-Kitab al-Ulamiya, Bita. P. 96.
38. Sadouq S. La Yahdrah Al-Faqih. Qom: Modaresin Society Publications; 1992.V3. P. 557.
39. Helli H. Ghawaed Al-Ahkam fi marefah al-Halal wa al-Haram. Qom: Islamic Publishing Institute, First Edition; 1992. v3. P. 269.
40. Al-Muhaghegh Al-Karaki A. Jamea' al-Maqasid fi sharh al-Ghavaed.2 th ed, Qom: Al-Bayt Institute; 1993.V8. P.11.
41. Al-Muhaqqiq al-Karaki AIH. Complete goals in explaining the rules (Jami al-Maqasid fi sharh alQawaid). Qom: Ale al-Bayt Institute; 1993.
42. Ameli Z. Masalak al-Afham Ela Tanghih sharae Al- Islam: Al-Maarif al-Islami Foundation; 1992. V8. P.11.
43. Al-Asfour H. Al-Anwar al-Lawame fi Sharh Mufatih al-Shar'ee. Iran,Qom: Bita.V10. P.174.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]